**بسم الله الرحمن الرحیم**

**موضوع :کیفیت سود**

**استاد:آقای دکتر علیپور**

**مفهوم کیفیت سود:**

کیفیت سود یکی ازواژگان حسابداری بوده که هیچ گونه اتفاق نظری در خصوص تعریف آن وجود ندارد.شیپر ووینسنت کیفیت سود را به عنوان نزدیکی سود گزارش شده حسابداری به سود اقتصادی تعریف می کنند.

به عبارت دیگر نزدیکی بیشتر سود حسابداری به سود اقتصادی،بیانگر کیفیت سود بیشتر است. ازانجایی که سود اقتصادی قابل مشاهده نیست لذا امکان کمی سازی ان وجود ندارد ونمی توان سود اقتصادی را اندازه گیری کرد.

ادبیات کیفیت سود مملواز معیارهای مختلف برای اندازه گیری این مفهوم است تعددمعیارها به گونه ای است که محققین مختلف این معیارها رادر چندین طبقه جای داده اند .

**نظریه ها درمورد معیار اندازه گیری کیفیت سود:**

فرانسیس وهمکاران معیارهای کیفیت سود را به دو گروه کلی تقسیم میکنند:

معیارهای مبتنی برداده های بازار

معیارهای مبتنی برداده های حسابداری

کرنل ولندسمن معیارهای کیفیت سود را در سه دسته :

معیار های مبتنی بر ارتباط ارزشی معیارهای مبتنی بر محتوای اطلاعاتی

معیارهای مبتنی بر قابلیت پیش بینی

جوناس وبلانکت این معیارها رادر دو گروه: معیارهای مرتبط با نیازهای استفاده کنندگان

معیارهای مرتبط با حمایت از سرمایه گذاران

**معیارهای اندازه گیری \_نظریه شیپرو وینسنت:**

1)معیارهای مرتبط با خصوصیات سری زمانی

2) معیارهای برگرفته از رابطه بین سود،جریان نقد واقلام تعهدی

3) معیارهای مرتبط با خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری

4) براوردها وقضاوت ها –معیار معکوس برای کیفیت سود

5)ارتباط ارزشی سود

6)معیارهای خارجی مرتبط با کیفیت گذارشگری مالی

**خصوصیات سری زمانی سود:**

الف) پایداری یا ثبات سود:

به میزانی که سودهای گذشته بر روی سودهای آتی نگاشته می شوند،پایداری یا ثبات سود گفته می شود.در واقع پایداری یا ثبات سود به معنای:با دوام بودن – تکرار پذیری ودائمی بودن سود در سال های آتی هست.

پایداری سود که ازجمله معیارهای مبتنی بر داده های حسابداری محسوب می شود،توسط بسیاری از محققین در سرفصل معیار های مرتبط با خصوصیات سری زمانی سود گنجانده شده .

پایداری یا ثبات سود به شیوه های مختلف مورد سنجش قرار می گیرد،برخی محققین از ضریب شیب مدل رگرسیون بازده بر روی سود ویا تغییرات ان به عنوان معیاری برای سنجش پایداری سود استفاده می کنند.از نظر این محققین ،بیشتربودن ضریب شیب مدل،به معنای پایداری بیشتر سود ، ودرنتیجه با کیفیت تر بودن ان است.

ولی عمده محققین از ضریب شیب مدل رگرسیون سود جاری بر روی سود با وقفه به عنوان معیاری برای سنجش پایداری سود استفاده نموده اند.

سودهای باثبات موجب بهبود تصمیم گیری سرمایه گذاران می گردد.ازنظر سرمایه گذاران ،سود های باثبات حالتی بادوام وپایدار دارند و همین مساله می تواند به ان ها بخصوص درارزش گذاری کمک کند.

با وجود اهمیت ثبات سود دربهبود تصمیم گیری،شیپر ووینسنت عنوان می کنند که ممکن است سود یک شرکت با توجه به یک مدل خاص ،با ثبات تلقی گردد اما واقعا این گونه نباشد. واز نظر ان ها پایداری یا ثبات سود ها ی گزارش شده، تابعی از استاندارد های حسابداری ومحیط عملیاتی واحد گزارشگری است.بکارگیری استانداردهای حسابداری در برخی محیط های اقتصادی می تواند منجر به ارائه سودهای سودهای ناپایدار(کم ثبات)گردد.همچنین دخالت مدیریت در فرایند گزارشگری مالی می تواند سبب تبدیل سود های کم ثبات به با ثبات شود.

**ب) قابلیت پیش بینی:**

قابلیت پیش بینی یکی از خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری است که سبب بهبود مربوط بودن اطلاعات می گردد. قابلیت پیش بینی توسط اغلب محققین به عنوان یکی ازمعیار های مرتبط با خصوصیات سری زمانی سود معرفی شده ولی برخی محققین قابلیت پیش بینی را به عنوان یک معیار مجزای کیفیت سود درنظر می گیرند وبرخی ان را در سرفصل پایداری سود مطرح می کنند.

برخی براین باورند که قابلیت پیش بینی به مجموعه گزارشگری مالی (شامل سود واجزای آن) مرتبط است. اما برخی به توانایی سود های گذشته در پیش بینی سود های آتی، قابلیت پیش بینی سود می گویند.

قابلت پیش بینی به شیوه های مختلفی اندازه گیری می شود که از جمله این مدل ها:

1) مدل پیش بینی سود های آتی با استفاده از سود های جاری.

2)مدل پیش بینی سود های آتی با استفاده از اجزای نقد وتعهدی سودهای جاری.

3)مدل پیش بینی جریان های نقد آتی با استفاده از سود های جاری

4)مدل پیش بینی جریان های نقدی آتی با استفاده از اجزای نقدی وتعهدی سود های جاری

درتمام این مدل ها ،معیار قابلیت پیش بینی ،انحراف معیار خطای باقیمانده مدل بوده که کمتربودن ان بیانگر کیفیت بیشتر سود است.

در خصوص مدل های استفاده شده جهت سنجش قابلیت پیش بینی (به عنوان یکی از معیار های کیفیت سود) سه ملاحظه تجربی را باید مد نظر قرار دهیم این موارد عبارت اند از:

الف)اگر چه قابلیت پیش بینی از نظر مفهومی به خوبی تعریف شده است اما درعملیاتی کردن آن لازم است چندین مورد را مد نظر قرار گیرد.مثلا باید در نظر گرفت که ایا استفاده از سود خالص برای پیش بینی سود های آینده مناسب تراست یا استفاده از اعداد خلاصه کننده عملکرد (مثل سود هر سهم)از مناسبت بیشتری برخوردار است؟ ویا اینکه آیا تنها سود می تواند به عنوان پیش بینی کننده سودهای آتی مطرح باشد یا اینکه اجزای سودنیز می توانند مورد استفاده قرار گیرند؟

ب)دومین ملاحظه تجربی انتخاب دوره زمانی است .از اطلاعات چند دوره زمانی باید برای پیش بینی استفاده نمود؟ ویااینکه توانایی پیش بینی به دوره زمانی وابسته است؟ محققین معمولا از پیش بینی های یکساله استفاده می کنند.

پ)سومین ملاحظه عملی،انتخاب چیزی است که باید پیش بینی شود.آیا برای سنجش قابلیت پیش بینی باید تنها سود های آتی را پیش بینی کرد؟ یا می توان مثلا اجزای سود یا جریان های نقدی را پیش بینی کرد؟

**پ)هموار سازی سود:**

رویکرد دیگر برای ارزیابی کیفیت سود ،هموارسازی سود است که برخی محققین ،از ان به تغییر پذیری تعبیر نموده اند .هموارسازی سود،یکی از معیارهای مرتبط با خصوصیات سری زمانی سود است.

تغییرپذیری یا همان هموار سازی سود به معنای وجود سودهای کم کیفیت است. محیطی که شرکت در ان فعالیت می کند ،همواره دستخوش تغییرات است لذا مدیریت با استفاده از انتخاب های حسابداری ،اقدام به هموارسازی سود نموده وبدین شیوه در کیفیت سود اثر می گذارد.

چندین روش برای سنجش هموار سازی سود وجود دارد که دراینجا به دو مورد اشاره می شود:

1)نسبت انحراف معیار سود عملیاتی به انحراف معیار جریان نقد عملیاتی : که هر دو بر اساس کل دارایی ها تعدیل شده اند ومعتقدند که امکان دستکاری در سود عملیاتی در مقایسه با جریان نقد عملیاتی بیشتر است . وهر اندازه انحراف معیار سود عملیاتی کمتر باشد، احتمال هموار سازی سود بیشتر بوده و در نتیجه ،سود های مربوطه از کیفیت بالایی برخوردار نخواهند بود.

در واقع نسبت های کوچکتر، بیانگر هموارسازی بیشتر ودرنتیجه کیفیت کمتر سود است.

2)معیار دوم استفاده از همبستگی بین تغییرات در اقلام تعهدی وتغییرات در جریان های نقدی است. همبستگی منفی نشان دهنده هموارسازی بیشتر ودرنتیجه، کیفیت کمتر سود است.

**ت)مقایسه باشاخص:**

از این معیار برای اندازه گیری بی طرفی اطلاعات استفاده می شود. دراینجا از تفاوت های جزئی مثبت بین سود گزارش شده وهر گونه شاخص، به عنوان معیار کیفیت سود استفاده می شود.

یکی از تفسیرهایی که درخصوص این الگو وجود دارد این است که شرکت هایی که سود آن ها درحوالی صفر (به عنوان شاخص) قراردارد، سود خود رامدیریت نموده تا یک سود جزئی گزارش نمایند. وهمچنین وجود سود جزئی یا افزایش جزئی درسود می تواند به معنای مدیریت سود باشد.

ملاحظه می شود که بین مقایسه با شاخص وهموار سازی سود(به عنوان دو معیار کیفیت سود) ارتباط تنگاتنگی وجود دارد.

**معیارهای برگرفته از رابطه بین سود،جریان های نقدی واقلام تعهدی:**

معیارهای معرفی شده دراین سرفصل،از رابطه بین اجزای نقدی وتعهدی سود ناشی شده اند.تنوع معیارهای این سرفصل بسیار زیاداست. معیارهای استفاده شده دراین سرفصل بر اساس این ایده شکل گرفته اند که برخی از اجزای تعهدی سود ، سبب کاهش کیفیت سود می شود درحالی که جزء نقدی سود،سبب افزایش کیفیت سود می شود.

الف) نسبت جریان های نقدی حاصل از عملیات به سود:

دراین معیار نقدی تر بودن سود به معنای باکیفیت تر بودن آن است برخی از محققین معتقداند که نسبت جریان نقد حاصل ازعملیات به سود، ساده ترین شکل ممکن برای بیان رابطه فوق است. وبیشتر بودن نسبت جریان نقد حاصل از عملیات به سود، به معنای باکیفیت تر بودن سود است.جدای از درنظر گرفتن رابطه نسبتا قوی بین سود وجریان نقد حاصل از عملیات ، این نسبت به دستکاری احتمالی جریان نقد حاصل از عملیات نیز حساس است. در واقع جریان نقد حاصل از عملیات درمقایسه با اقلام تعهدی از قابلیت دستکاری کمتری برخوردار است به عبارت دیگر جریان نقد حاصل ازعملیات از عینیت بیشتری برخوردار است. اما با این حال باز جریان نقد نیز می توانند قابل دستکاری باشد.

در سایر معیار های برگرفته از رابطه بین سود، جریان نقد واقلام تعهدی تاکیداصلی بر اقلام تعهدی است .همان طور که قبلا هم گفته شد اقلام تعهدی سبب کاهش کیفیت سود می شوند. ازانجایی که جزء تعهدی سود در مقایسه با جزء نقدی آن،از احتمال دستکاری بیشتری برخوردار است ،لذا معیارهای مرتبط با اقلام تعهدی با هموارسازی سوددرارتباط اند به گونه ای که هر دو این معیارها با کیفیت سود رابطه معکوس دارند درادامه این معیارها رابیشتر توضیح می دهیم.

**ب) تغییر در کل اقلام تعهدی :**

تغییر در کل اقلام تعهدی ، شیوه ای ساده برای سنجش کیفیت سود است. بگونه ای که هر اندازه تغییر در کل اقلام تعهدی بیشتر باشد احتمال دستکاری مدیریت بیشتر بوده ودرنتیجه کیفیت سود کمتر است.

**پ) کیفیت اقلام تعهدی:**

کیفیت اقلام تعهدی به میزان تبدیل (تحقق) اقلام تعهدی به جریان های نقد آتی اطلاق می گردد.این معیار از جمله معیارهای مبتنی بر داده های حسابداری است. وارتباط نزدیکی با هموار سازی سود دارد به گونه ای که بسیاری از مدل های استفاده شده جهت سنجش کیفیت اقلام تعهدی،برای اندازه گیری هموار سازی نیز مورد استفاده قرار می گیرد.

جهت سنجش کیفیت اقلام تعهدی مدل های سنجش رامی توان در دو دسته کلی جای داد:

در دسته اول اقلام تعهدی به اقلام تعهدی اختیاری وغیر اختیاری تقسیم می شوند .دراین مدل ها فرض می شود که اقلام تعهدی غیراختیاری در طول زمان ثابت بوده ودر معرض دستکاری مدیریت قرار نمی گیرند. ضمنا این اقلام را می توان با استفاده از برخی متغیر های حسابداری پیش بینی نمود.

ودر دسته دوم هم اقلام تعهدی بصورت کلی در نظر گرفته شده اند.

**معیار های مرتبط با خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری:**

خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری،سبب سودمندی اطلاعات جهت تصمیم گیری می شود.درادامه تعدادی از شیوه های عملیاتی نمودن اجزای خصوصیات کیفی معرفی می شود.

الف) ارزش پیش بینی:

ارزش پیش بینی یکی از خصوصیات کیفی اطلاعات است که به استفاده کنندگان کمک می کند تا احتمال پیش بینی صحیح پیامد رویدادهای فعلی یا گذشته را افزایش دهند. برخی محققین این معیار کیفیت سود را قابلیت پیش بینی نام گذاری کرده اند.درواقع شیوه های اندازه گیری ارزش پیش بینی ، مشابه با شیوه های اندازه گیری قابلیت پیش بینی است.

ب) ارزش بازخورد:

یکی ازخصوصیات کیفی است که استفاده کنندگان را قادر می سازد تا انتظارات قبلی خود را تصحیح یا تصدیق نمایند. بر اساس مدل مذکور، ارزش بازخورد منفی، معیار معکوس از کیفیت سود می باشد در حالی که ارزش بازخورد مثبت ، بیانگر کیفیت بیشتر سود است.

یکی از روش های اندازه گیری ارزش بازخورد، نسبت درصد تغییر در قیمت به درصد تغییر در سود می باشد ،اگر نسبت محاسبه شده کمتر یا مساوی صفر باشد، ارزش بازخورد سود منفی بوده وبه عنوان معیاری معکوس از کیفیت سودقلمداد می شود.در صورتی که نسبت محاسبه شده کمتر از یک باشدارزش بازخورد سود محدودخواهد بود.ودر صورتی که نسبت محاسبه شده بزرگتر یا مساوی یک باشد، ارزش بازخورد سود مثبت بوده که این موضوع بیانگر کیفیت بیشتر سود است.

پ)به موقع بودن :

به موقع بودن بدین معناست که قبل از اینکه اطلاعات ظرفیت تاثیر گذاری خود بر تصمیم گیری راازدست بدهد، در اختیار فرد تصمیم گیرنده قرار گیرد.

به موقع بودن سود به کمک چند روش مورد سنجش قرار گرفته است. به عنوان مثال شکاف ایجاد شده بین تاریخ پایان سال مالی وتاریخ ارائه اطلاعات، ساده ترین شیوه برای اندازه گیری به موقع بودن سود است و هر اندازه که شکاف ایجاد شده بیشتر باشد ، کیفیت سود گزارش شده کمتر خواهد بود.

محافظه کاری سود:محافظه کاری نیز یکی از معیارهای کیفیت سود بوده که معمولا در کنار به موقع بودن مورد توجه قرار می گیرد.برای اندازه گیری محافظه کاری (به عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود)مدل های متعددی وجود دارد.معیار محافظه کاری سود،نسبت ضریب اخبار بد به ضریب افکار خوب در رگرسیون سود بر روی بازده بوده وبیشتر بودن آن ،بیانگر کیفیت بیشتر سود است.

ت)ارائه صادقانه: ارائه صادقانه یا توافق بین یک معیار وپدیده ای که مدعی بیان آن است ،اطلاق می شود.ارائه صادقانه یکی از اجزای قابلیت اتکای اطلاعات است . یکی از ابزارهای اندازه گیری ارائه صادقانه نسبت درصد تغییر در جریان نقد عملیاتی به درصد تغییر در سود عملیاتی اشاره کرد دراین معیار هر چه نسبت مذکور بیشتر باشد سود با کیفیت تر است.

ث) بی طرفی:

بی طرفی به معنای عدم جهت گیری اطلاعات گزارش شده برای دستیابی به یک نتیجه از پیش تعیین شده است. اگر مدیریت، سود را صادقانه گزارش کند، انگاه سود، عاری از جهت گیری وتعصب خواهد بود.

ج) قابلیت تایید:

به اجماع بین معیار ها برای حصول اطمینان از اینکه اطلاعات، ارائه کننده چیزی است که مدعی بیان آن می باشد، قابلیت تاییداطلاق می شود. قابلیت تایید یکی از اجزای قابلیت اتکای اطلاعات است .اظهار نظر حسابرس می تواند نماینده قابلیت تایید اطلاعات باشد.

د) قابلیت مقایسه:

قابلیت مقایسه به استفاده کنندگان کمک می کند تا وجوه تشابه وتمایز بین دو پدیده اقتصادی را تعیین نمایند. وهیچ رویکردی برای اندازه گیری رویدادهاومبادلات مشابه وجود ندارد. این موضوع کاملا قضاوتی است و هیچ گونه معیاری برای عملیاتی کردن قابلیت مقایسه در ادبیات موضوعی معرفی نشده است.

**برآوردها وقضاوت ها-معیاری معکوس برای کیفیت سود:**

این معیار کیفیت سود تحت سرفصل معیارهای مرتبط با تصمیمات اجرایی معرفی گردیده است.

محققین اذعان دارند که استانداردهای گزارشگری مالی در راستای بهبود مربوط بودن اطلاعات، شناسایی سریع تر رویدادهای اقتصادی را الزامی نموده اند.الزام به شناسایی سریع تر رویدادهای مالی در وضعیت پیچیده اقتصادی، باعث می شود که ازدقت پیش بینی تهیه کنندگان گزارش های مالی کاسته شود خطای اندازه گیری وارد فرایند گزارشگری مالی شود.

به عبارتی می توان گفت بین پیش بینی وقضاوت در گزارشگری مالی از یک سو وکیفیت سود از سوی دیگر رابطه معکوس وجود دارد.

**ارتباط ارزشی سود:**

به توانایی سود در توضیح بازده ، ارتباط ارزشی سود اطلاق می شود.به عبارت دیگر ،هر اندازه که سود از توانایی بیشتری در توضیح بازده برخوردار باشد ،ارتباط ارزشی آن بیشتر می باشد.

هر یک از محققین نظریه ای متفاوت درمورد ارتباط ارزشی سود دارند:

1)فرانسیس وهمکاران ارتباط ارزشی سود را در سر فصل معیارهای مرتبط با بازار قرار می دهند واز نظر آن ها معیار ارتباط ارزشی سود دربردارنده خصوصیات کیفی مربوط بودن و قابلیت اتکا می باشد.

2) ایکر وهمکاران برای اندازه گیری کیفیت سود از یک رویکرد مبتنی بر بازده استفاده می نمایند.

3) دچو وهمکاران از عنوان ضریب واکنش سود به جای ارتباط ارزشی سود استفاده می نمایند.

**معیارهای خارجی مرتبط با کیفیت گزارشگری مالی:**

هرکدام از این سه معیار خارجی مرتبط با کیفیت گزارشگری مالی دارای دو مشخصه اصلی هستند :اول اینکه در این معیارها برای تعیین کیفیت سود از خصوصیات سود استفاده نمی شود بلکه به شواهدی از منابع بیرونی (مثل کمیسیون بورس واوراق بهادار ،مدیریت شرکت یا حسابرس ) اتکا می شود.دوم اینکه ، این معیار ها فراهم کننده اطلاعاتی در خصوص کیفیت صورت های مالی می باشند نه فقط سود.

الف) دستورالعمل های لازم الاجرای حسابداری وحسابرسی: کمیسیون بورس و اوراق بهادار ،اقدام به انتشار دستورالعمل های حسابداری وحسابرسی نموده که رعایت آن ها توسط شرکت ها، مدیران شرکت ها وحسابرسان الزامی است. وکسانی که از این الزامات تعیین شده تخطی نمایند، متخلف محسوب می شوند. تخطی ازاین دستورالعمل ها با انگیزه های متعدد صورت می گیرد که مدیریت سود از جمله مهمترین این انگیزه ها است و سود مدیریت شده ازکیفیت بالایی برخوردار نیستند.

**ب)موارد تجدید ارائه:**

تجدیدارائه صورت های مالی نیز می تواند بیانگر ابهام در خصوص سود سال های گذشته ودرنتیجه کیفیت پایین آن ها باشد.تجدید ارائه سود،ارتباط نزدیکی با دستورالعمل های لازم الاجرای حسابداری وحسابرسی دارد به گونه ای که برخی محققین معتقداند که انتشار این دستورالعمل ها ،در راستای جلوگیری از تجدید ارائه سود می باشد. وتجدید ارائه نیز با انگیزه های متعددی صورت می گیرد که پاداش مدیریت و دستیابی به شرایط مندرج در قراردادهای بدهی از آن جمله است.

تجدید ارائه سود نشانه مدیریت سود ،ومدیریت سود هم بیان کننده این موضوع است که سود کیفیت بالایی ندارد.

پ) کنترل های داخلی:

بر اساس بخش 302 قانون سربینز آکسلی مدیریت ملزم به تایید اثربخشی فرایند های کنترل داخلی شرکت می باشد.بخش 404 قانون سربینز آکسلی که از سال 2004لازم الاجرا گردیده نیز مدیریت شرکت را ملزم به ارزیابی اثر بخشی ساختار کنترل داخلی،ارائه آن در گزارش سالانه شرکت ،واظهارنظر حسابرس در خصوص آن می کند. نتایج بسیاری از مطالعات انجام شده حاکی از آن است که ضعف در کنترل های داخلی با سود شرکت در ارتباط بوده وآن را نشانه وجود سودهای کم کیفیت معرفی می کنند.

**اهداف مشخص گزارش سود:**

1-استفاده از سود به عنوان معیاری برای اندازه گیری کارایی مدیریت.

2-استفاده از مبالغ تاریخی سود برای پیش بینی آینده واحد انتفاعی و توزیع آتی سود سهام.

3- استفاده از سود به عنوان معیاری برای اندازه گیری دستاورد ها و همچنین نشانه ای از تصمیمات آتی مدیریت.

سایر هدفها شامل استفاده از سود به عنوان مبنایی برای تشخیص مالیات، بررسی قیمت محصولات واحد هایی که مشمول قیمت گذاری می باشند وبالاخره ارزیابی تخصیص منابع توسط اقتصاددانان می باشد.

**مدیریت سود:**

مدیریت سود زمانی رخ می دهد که مدیران در چگونگی گزارشگری مالی، برای گمراه کردن سهامداران درباره عملکرد اقتصادی شرکت قضاوت هایی را انجام می دهند . مدیران به روش های مختلفی بر سود مدیریت می کنند:

الف) روش حسابداری محافظه کارانه:

این روش ها ،رابطه نزدیکی با کیفیت سود دارند ، یعنی کیفیت سود خالص محاسبه شده به روش محافظه کارانه از سود خالص غیرمحافظه کارانه بالاتر است ،زیرا ریسک بیش از واقع نشان دادن سود بیش از ریسک کمتر از واقع نشان دادن ان است.

ب) عدم ثبات رویه در استفاده از روش های حسابداری:

عدم ثبات رویه ،اثر منفی بر کیفیت سود دارد، زیرا اغلب تغییرات دربکارگیری روش های حسابداری ، موجب افزایش در رشد واهی سود گزارشی می شود.

ب)ساختار هزینه:

در شرکت های دارای اهرم عملیاتی ، با نزدیک بودن مبلغ فروش به سطح هزینه های ثابت، هرگونه افزایش در حجم فروش ، سود شرکت رابه نسبت بیشتری از قبل بالا می برد و باکاهش حجم فروش ، نتایج عملیات بدتر می گردد. از طرف دیگر شرکت دارای نسبت هزینه متغیر به فروش بالا، کنترل بهتر ومناسب تری روی هزینه ها دارد و این موضوع منجربه افزایش کیفیت سود می شود . بنابراین ترکیب یا ساختار هزینه شرکت ، بر کیفیت سود اثر گذار است.

پ) نگهداشت سرمایه:

در این دیدگاه سرمایه عامل مهمی در تعیین سود می باشد . و سود حسابداری حداکثر ارزشی است که موسسه طی دوره توزیع می نماید به شکلی که سرمایه نسبت به اول دوره کاهش نیابد.

بخش دیگری از کیفیت سود به این موضوع مربوط می شود که موسسه برای حفظ ونگهداشت دارایی ها وبهبود قدرت سودآوری فعلی وآتی خود چه تدابیری اندیشیده است. زیرا نگهداشت وحفظ سرمایه تنها زمانی انجام می شود که اجزای جدید جایگزین قدیمی ها شود وقدرت سودآوری ان را حفظ یا بیشتر کند.

**عوامل سیاسی واقتصادی در بررسی کیفیت سود:**

در بررسی کیفیت سود باید به عوامل سیاسی واقتصادی نیز توجه کرد زیرا اثر قابل توجهی بر سود وقدرت سودآوری دارند.

کیفیت سود شرکت های فعال در کشور های باثبات ،از کشورهای بی ثبات بالاتر است.

شرکت های فعال در کشورهای دارای اقتصاد دولتی ، در مقایسه با کشورهای دارای اقتصاد خصوصی سازی مناسب از کیفیت پایینی برخوردار است.

**نتیجه گیری:**

در بررسی کیفیت سود باید به مباحثی همچون عوامل خاص شرکتی که بر کیفیت سود اثر دارند وهمچنین میزان دخالت دولت ، میزان روابط با دیگر کشور ها ومیزان تعامل با ان ها ریسک اقتصادی وامنیت سرمایه گذاری توجه جدی کرد.